

## تحلیل انتقادی مواجهه فقهای مذاهب اسلامی با موضوع وظیفه شوهر در پرداخت هزینه درمان بیماریهای صعب العلاج زوجه

البرز محقق گرمی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱)

### چکیده

یکی از وظایف مالی شوهر نسبت به زوجه، پرداخت نفقه است. فقیهانی، شمار نفقات را محدود دانسته و فقیهانی دیگر ضابطه پرداخت آن را نیازهای زوجه دانسته‌اند. با این وجود، برخی بر این باورند که پرداخت هزینه درمان بیماریهای صعب‌العلاج زوجه بر عهده شوهر نیست. این پژوهش به روش اکتشافی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی در پی یافتن و تحلیل حکم فقهی مسئولیت شوهر در برابر هزینه درمانی بیماریهای سخت زوجه است. برای دست یافتن به این هدف، در گام نخست، ادله ادعایی دیدگاه باورمندان به عدم وجوب، تقریر و نقد شده است. در گام بعدی، مجموعه آموزه‌های اسلامی پیرامون حقوق زن با رویکرد تأکید اسلام به تحکیم نهاد خانواده بررسی شده است. فرضیه پژوهش آن است که به دلایل ذیل پرداخت هزینه‌های پیش-گفته به نحو الزامی بر عهده شوهر است: عموم ادله معاشرت به معروف و قوامیت مرد، ادله نهی از سختگیری بر زوجه، اقتضای مسئولیت مرد در برابر عائله، روایات بیانگر عدم انحصار، قیاس اولویت و سیره متشرعه. جان‌مایه این موارد بر ارائه مفهومی نوین از نفقه بر اساس نیازهای واقعی زوجه و توان شوهر استوار هستند.

**کلیدواژه‌ها:** نفقه زوجه، بیماری، شوهر، متعارف.

---

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد،

## طرح مسئله

نهاد خانواده یکی از پیرارج‌ترین نهادها در میان آدمیان شمرده می‌شود. شکل‌گیری این نهاد بر مؤلفه‌های مهرورزانه، گونه‌ای از کنشگری را سامان می‌دهد که بر ایثار و دیگرگزینی در هنگامه تخصیص و تراحم حقوق استوار است. با این حال، مکاتب گوناگون فکری و دینی برای حفظ حقوق متقابل زوجین قوانین گوناگون عاطفی و مالی را در قامت کمینه‌های رابطه زوجین در زندگی مشترک در نظر گرفته‌اند. بر این اساس، وظایف و حقوقی برای هر یک از زن و شوهر تعریف شده است. یکی از این حقوق طرفینی درخور توجه، در حوزه حقوق مالی زوجه در طول زندگی با همسرش تعریف می‌شود. در شریعت اسلامی، این حق با عنوان «حق نفقه» بیان شده است. به این بیان که پرداخت نفقه یکی از مسئولیتهای زوج در برابر همسرش شمرده می‌شود.

در نظام حقوقی اسلام در حوزه پیش‌گفته فروعات گوناگونی درباره نفقه زوجه مطرح شده که برخی از آنها عبارتند از: شرایط استحقاق زوجه برای دریافت نفقه، شرایط زوج برای هنگام پرداخت نفقه، ضابطه نفقه، میزان آن، چگونگی پرداخت آن، زمان‌بندی پرداخت آن و نحوه تصرف زوجه در نفقه. در میان این موارد، آنچه دست‌مایه پژوهش حاضر قرار گرفته، مواردی است که نفقه بدانها تعلق گرفته و مرد موظف به پرداخت آنهاست. پرسش اصلی پژوهش این است که آیا هزینه درمان بیماریهای پرهزینه بانوان بر عهده همسرشان است یا خیر؟

برخی از فقیهان امامی، نفقه واجب را منحصر در طعام و پوشاک دانسته‌اند (ابن‌جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۴). کسانی دیگر مسکن را هم بر این دو مورد افزوده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۰۸؛ گلپایگانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۹؛ حکیم، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۳). مشهور احناف نیز همین قول را پذیرفته‌اند (مرغینانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۷). برخی دیگر نیز به جای مسکن، تهیه فراش را واجب دانسته‌اند (مجاهد، بی‌تا، ص ۵۶۹) و پرداخت بیش از این مقدار را مستحب دانسته‌اند (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۴). فقیهان حنبلی نیز چهار مورد ذیل را به عنوان نفقه واجب دانسته‌اند: طعام، اِدام، پوشاک و مسکن (حجاوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۶؛ مرداوی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۲۵۹؛ عاصمی، ۱۳۹۷ق، ج ۷، ص ۱۰۷؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، صص ۴۶۰-۴۵۹؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

فقیه دیگری نفقه را منحصر در طعام، پوشاک و وسایل بهداشتی برای زدودن چرکهای بدن می‌داند (اراکي، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۷). برخی نیز با تقسیم زنان به سه دسته زن آزاد شریف، زن آزاد غیر شریف و کنیز بر این باورند که نفقه واجب زنان شریف عبارت است از: طعام، پوشاک مناسب، خادم و هر آن چیزی که برای نظافت و زینت لازم است (ابن- حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۵؛ سبزواری، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۰۱؛ زحیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۲۴۹). نگارنده کتاب گرانسنگ «العروه الوثقی» نیز به مناسبت بحث از طهارت از هزینه‌های اغتسال واجب زن در قامت یکی از نفقات سخن گفته است (طباطبایی یزیدی، ۱۳۸۸ش، ج ۴، ص ۱۴۷).

این دیدگاه وجود دارد که موارد نفقه در شش مورد طعام، إدام<sup>۲</sup>، پوشاک، خادم، وسایل بهداشتی و مسکن منحصر است (انصاری، ۱۴۱۵ق، صص ۴۸۴-۴۸۳). دیدگاه فقیهان شافعی و مالکی نیز چنین است (ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، صص ۲۰-۱۳؛ انصاری، بی‌تا، صص ۴۳۰-۴۲۴؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، صص ۴۸۸-۴۸۵؛ نووی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، صص ۵۲-۴۲؛ قرافی، ۱۹۹۴ق، صص ۴۶۰-۴۵۶؛ ابن‌جزی کلبی، بی‌تا، ص ۱۴۷).

حلی در کتاب ارشاد الازهان همین شش مورد را بر شمرده (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، صص ۳۴-۳۵)؛ ولی در کتاب قواعد الاحکام با افزودن رختخواب و وسایل آشپزی، تعداد نفقات واجب را به صراحت هشت مورد بر می‌شمرد (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، صص ۱۰۶-۱۰۴). در کتاب تحریر الاحکام الشرعیه نیز این دو مورد را در شمار پوشاک ذکر نموده است (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۳۱-۳۰). برخی نیز وسایل خانه را به این موارد افزوده‌اند (خطیب شربینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۴۲). دیگری به جای وسایل آشپزی، سفر را در شمار نفقات قرار داده است (حسن، ۱۴۲۹ق، صص ۱۳۸-۱۲۷). برخی بر این باورند که نفقات محدود به موارد یا کمیت خاصی نیست (ابن‌ادریس حلی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۱، ص ۴۱۲). این دیدگاه نیز درخور توجه است که مرد به اندازه توان خود موظف است تمامی هزینه‌های همسرش را بپردازد (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳۳). تفاوت استنباط فقیهان موجب شده که نگارنده کتاب سترگ «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام» سخن

۲. مراد از این واژه، خورش و غذاهایی است که با غذاهای اصلی مانند نان و برنج خورده می‌شود.

فقیهان درباره میزان نفقه را دارای اضطراب و تشویش ارزیابی نماید (نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ص ۳۳۶).

درباره هزینه‌های درمانی زوجه، عده‌ای از فقیهان امامی بر این باورند که وجوب نفقه بر موارد خاص قرار گرفته که هزینه درمان بیماریها جزو آنها نیست (ر.ک: ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۸؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۵؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۵۶۸؛ حسن، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲۶). در میان حنابله نیز عده‌ای آشکارا هزینه‌های درمان را در شمار نفقات نمی‌دانند (ابن‌قدامه، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۷؛ عاصمی، ۱۳۹۷ق، ج ۷، ص ۱۱۲؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۴۰۳؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۴). شافعیان نیز این قول را پذیرفته‌اند (ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۹؛ انصاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۰؛ دمیاطی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۸۶؛ نووی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۵۰؛ حجاوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۸). برخی از مالکیان نیز به عدم قرار داشتن هزینه دارو در شمار نفقات تصریح نموده‌اند (قرافی، ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۴۷۰).

این دیدگاه نیز وجود دارد که پرداخت نفقه باید بر اساس نیازهای زوجه باشد. با این وجود در مورد هزینه‌های درمانی زوجه، دیدگاه واحدی در میان باورمندان به ضابطه پیش‌گفته وجود ندارد. برخی از این فقیهان، با وجود پذیرش این ضابطه، میان بیماریهای عادی و امراض سخت تفاوت قائل شده و زوج را موظف به پرداخت هزینه‌های سنگین بیماریهای سخت نمی‌دانند.

فتوایی به شکل ذیل در نگاشته‌های برخی فقیهان متأخر دیده می‌شود: «ظاهراً داروهایی که متعارف است و نیاز به آنها به سبب بیماری و دردهایی که کمتر کسی در ماهها یا سالها به آنها دچار نمی‌شود زیاد است، در شمار نفقاتی است که زوجه استحقاق آن را دارد. ولی ظاهر آن است که دارویی که در معالجات سخت مصرف می‌شود و به نحو اتفاقی، احتیاج به آنها دارد خصوصاً اگر به بذل مال زیادی محتاج باشد جزو نفقه نیست» (اصفهانی، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۲۲۷؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۳۴۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۷۵). در این دیدگاه، تنها پرداخت هزینه درمان بیماریهای متعارف بر زوج واجب خواهد بود (منتظری، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۳۷۵).

در سوی مقابل، شماری دیگر تأمین هزینه بیماریهای صعب‌العلاج زوجه را بر شوهر واجب می‌دانند (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ص ۳۳۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۸،

ص ۲۴۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۹۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۱۰؛ الفقی، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۱۲۱؛ بلتاجی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۷). کسانی نیز حکم به وجوب را بعید ندانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۸۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۹۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۶۱). برخی دیگر نیز پرداخت این هزینه‌ها را به نحو حکم وجوبی محل تأمل دانسته‌اند (وحید خراسانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۲۶). فقیهی دیگر پرداخت هزینه‌های درمان زوجه توسط زوج را تنها در صورت سقوط حق فسخ ناشی از عیوب موجب فسخ نکاح واجب دانسته است (حسینی روحانی، ۱۳۸۳ش، ج ۶، ص ۲۵۹).

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۴۱ش نیز چنین آمده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء». این ماده در سال ۱۳۸۱ به شرح ذیل اصلاح شد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». عبارت «از قبیل» در این ماده بیانگر منحصر نبودن میزان نفقه نزد قانونگذار در موارد پیش‌گفته است. قید «متعارف» در این ماده نیز صراحتی در روشن شدن حکم هزینه درمان بیماریهای سخت ندارد. به این بیان که اگر منظور از عبارت «نیازهای متعارف»، درمانهای متعارف باشد، نمی‌توان درمانهای مستلزم پرداخت هزینه‌های گزاف را در شمار نیازهای متعارف شمرد و اگر مراد از آن، هرگونه نیاز طبیعی زن باشد، باید نیاز طبیعی زن به درمان هرگونه بیماری را هم در شمار نفقات جای داد. برخی بر این باورند که مراد از این قید، عرف محل زیست زوجه و زمانه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۷۲).

این پژوهش به روش تحلیلی-اکتشافی و با بهره از منابع اسنادی در پی یافتن حکم وظیفه مرد در برابر پرداخت هرگونه هزینه‌های درمانی همسرش است. برای دست یافتن به این هدف، پس از اصطیاد ادله ادعایی و محتمل باورمندان به عدم وجوب، به نقد هر یک از ادله پرداخته شده است. در گام پسین، در بخشی با عنوان «دیدگاه برگزیده»، هفت دلیل برای اثبات وجوب پرداخت هزینه‌های پیش‌گفته به نحو فراگیر ارائه شده است.

### پیشینه بحث

حسب جست‌وجوی انجام‌شده در میان کتب فقیهان متقدم، نخستین کسی که از موارد نفقه زوجه سخن به میان آورده، مفید در رساله «احکام النساء» است (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷). زکی حسن در بخشی از کتاب «فقه النفقه: نفقة الزوجة الدائمة» به بیان نه مورد از نفقه‌های واجب پرداخته که هزینه درمان در میان آنها به چشم نمی‌خورد (حسن، ۱۴۲۹ق، صص ۱۳۸-۱۲۷). صادقی نیز در کتاب «نفقه زوجه در مذاهب خمس» در بخشی با عنوان «انواع و مقدار نفقه» دیدگاه فقیهان فریقین را درباره حکم هزینه‌های درمان زوجه گزارش نموده اما به بررسی ادله آن نپرداخته است (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۸ش، صص ۲۱۸-۲۱۶).

تحقیق پایانی «بررسی فقهی حقوقی ملاک مصادیق و موارد نفقه» به کوشش احمد میرزاییگی در گفتاری مختصر به بررسی حکم وظیفه شوهر در برابر هزینه‌های درمان زوجه بر اساس قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران پرداخته ولی به ریشه‌های فقهی آن اشاره ننموده است. در مقاله «بررسی فقهی محدوده نفقه زوجه نسبت به هزینه‌های تحصیلی و درمانی از دیدگاه فریقین» به قلم زینب مشهودی تنها در بخش کوتاهی به موضوع هزینه‌های درمانی بیماری‌های پس از تحقق مباشرت پرداخته شده و بدون بیان هیچ‌گونه استدلال برآمده از ادله لفظی یا لبی، تنها به یادکرد نظریه امام خمینی درباره حکم این موضوع<sup>۳</sup> کفایت شده است. در مقاله «واکاوی فقهی در ملاک تعیین نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آراء فقهای اسلامی» به قلم فاطمه کاظم پور فرد و مهسا جمشیدی شهگیری نیز بخش کوتاهی به گزارش دیدگاه شمار بسیار اندکی از فقیهان درباره هزینه‌های درمان زوجه با تمرکز بر تقویت دیدگاه نگارنده کتاب جواهر الکلام پرداخته شده و به جز بیان رعایت اصل معاشرت به معروف، به هیچ دلیل اجتهادی یا فقاهتی برای اثبات حکم مسئله استناد نشده است.

مقاله «نفقه و نیازهای درمانی زوجه» با تلاش محمدحسن صادقی مقدم و امین امیرحسینی، دلایل باورمندان به انحصار نفقه در موارد مشخص را بررسی نکرده و برای

۳. قول به تفصیل که عبارت است از وجوب پرداخت هزینه درمان‌های ساده و عدم وجوب پرداخت هزینه بیماری‌های سخت.

اثبات حکم وجوب، تنها معاشرت به معروف را در قامت دلیل قرار داده است. قدرت‌الله نیازی و علی رضانی در مقاله «معیار نفقه زوجه» به این نتیجه دست یافته‌اند که ضابطه پرداخت نفقه، توانایی و شأن مرد است. احمد مرتاضی و حسین حاجی حسینی در مقاله «امکان‌سنجی شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن (با تأکید بر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی) در پی یافتن مفهوم هزینه‌های متعارف در این قانون بوده و در نهایت تنها پرداخت هزینه‌های متعارف درمان را پذیرفته‌اند.

با وجود این تلاشهای درخور تحسین، پژوهشی را نمی‌توان یافت که به بررسی و نقد تمامی ادله آشکار و محتمل باورمندان به عدم وجوب پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه پرداخته باشد. وجه نوآوری دیگر در جستار حاضر، تبیین ادله وجوب موضوع پیش‌گفته با ارائه دلایلی است که تا کنون یا اصلاً مورد توجه نبوده‌اند یا توجه شایسته‌ای بدانها نشده است.

## دلایل باورمندان به عدم وجوب تأمین هزینه‌های درمانی بیماریهای سخت زوجه

همان‌گونه که گذشت شماری از فقیهان به انحصار مصادیق نفقه در مواردی خاص باور دارند. از دیدگاه اینان، هزینه‌های درمانی در شمار نفقات قرار نمی‌گیرد. اما شماری دیگر، موارد نفقه را منحصر نمی‌دانند، با این حال درباره هزینه درمان بیماریهای سخت، به عدم وجوب باور یافته‌اند. در این بخش به ادله هر دو دیدگاه در قامت مخالفان پرداخت هزینه‌های درمانی بیماریهای سخت زوجه پرداخته می‌شود.

### ۱. انصراف ادله به طعام و پوشش

از دیدگاه شماری از فقیهان، ظاهر برخی ادله لفظی بر انحصار نفقه به خوراک و پوشاک رهنمون است:

الف) آیه: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» بر عهده پدر است که خوراک و پوشاک مادر را به نحو شایسته بپردازد» (بقره، ۲۳۳). بر اساس این آیه برخی معتقدند که نفقه زوجه تنها به طعام و لباس محدود شده است و نمی‌توان وجوب تأمین دارو را از آن برداشت نمود (ر.ک: فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۶۲۰؛ حکیم،

۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۳۰۲). در فقه حنفی نیز مراد از رزق در این آیه هر آن چیزی است که برای خوراک و تغذیه به آن نیاز وجود دارد (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۳۲۶؛ کاسانی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۳).

ب) ابن بابویه به اسناد خویش حدیث موثقی را از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام به شکل ذیل نقل می‌نماید: «حق زن بر همسرش آن است که وی را سیر نماید و بدنش را بپوشاند و اگر نادانی ورزید تغافل نماید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴۰).

ج) ابن بابویه به اسناد صحیح خویش از ابوبصیر نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: «اگر مردی که همسری دارد و او را با لباس نمی‌پوشاند و چنان اطعامش نمی‌کند که صلب او قوام یابد، امام می‌تواند بین آن دو جدایی برقرار کند»<sup>۴</sup> (همان، ج ۳، ص ۴۴۱).

د) کلینی حدیث صحیحی را از جمیل بن دراج به شکل ذیل گزارش می‌کند: «مرد جز بر نفقه ابوین و فرزندش اجبار نمی‌شود... در مورد همسرش باید او را با لباس مناسب بپوشاند و اطعامش نماید تا صلبش قوام یابد، در غیر این صورت زن (از طرف امام) طلاق داده می‌شود»<sup>۵</sup> (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۷۷).

هـ) کلینی در خبری، پرسش روح بن عبدالرحیم از امام صادق علیه السلام را چنین گزارش می‌کند: به امام صادق علیه السلام گفتم درباره آیه «وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (طلاق، ۷) چه می‌فرمایید؟ امام فرمودند: نفقه در چیزهایی است که سبب قوام ظهر (پشت) می‌گردد و هم چنین پوشاک. در غیر این صورت میان زن و شوهر جدایی افکنده می‌شود»<sup>۶</sup> (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۷۶).

برخی از فقیهان با استناد به این روایات بر این باورند که میزان واجب نفقه، طعام و پوشش است (برای نمونه رک: اراکی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۳؛ حکیم، ۱۴۱۷ق، ج ۳، صص ۵۶۳-۵۶۲). برخی دیگر نیز بر اساس این روایات، محصور بودن کمیت نفقات را

۴. «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ فَلَمْ يَكْسُهَا مَا يُوَارِي عَوْرَتَهَا وَيُطْعِمَهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا كَانَ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَفْرُقَ بَيْنَهُمَا».

۵. «لَا يُجْبِرُ الرَّجُلُ إِلَّا عَلَى نَفَقَةِ الْأَبْوَيْنِ وَالْوَالِدِ... إِذَا كَسَاهَا مَا يُوَارِي عَوْرَتَهَا وَيُطْعِمَهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا أَقَامَتْ مَعَهُ وَإِلَّا طَلَّقَهَا».

۶. «قُلْتُ يَا أَبَى عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ قَالَ إِذَا انْفَقَ عَلَيْهَا مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ كِسْوَةٍ وَإِلَّا فُرِقَ بَيْنَهُمْ».

دریافته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۶۹). در این دیدگاه آیه «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) با روایات بیانگر انحصار، مقید خواهد شد (اراکي، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۳). به این بیان که آیه حکمی عمومی را بیان می‌کند که هم شامل وظایف واجب است و هم وظایف مستحب و روایات بیانگر میزان واجب آن یعنی خوراک و پوشاک هستند (همان‌جا).

برداشت انحصار از آیه پیش‌گفته، استوار به نظر نمی‌رسد. مباحث دقیقتر مربوط به استظهار از آیه ۲۲۳ سوره بقره در ادامه خواهد آمد. اما در مورد روایات، از عباراتی مانند «أَقَامَتْ مَعَهُ وَ إِيَّاهُ طَلَّقَهَا»، «كَانَ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا» و «وَ إِيَّاهُ فُرِّقَ بَيْنَهُمْ» آشکارا می‌توان دریافت که روایات تنها بیانگر میزانی از وظیفه زوج هستند که تخلف از انجام آن وظیفه سبب ایجاد حق طلاق برای زوجه می‌شود.

هم‌چنین این روایات تنها بیانگر نیازهای متعارف زنان در زمان صدور هستند و نمی‌توان از آنها، ذکر مصادیق برای همه زمانها را به دست آورد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۲۹۹). چرا که روایات دیگری یافت می‌شوند که از وجوب پرداخت هزینه‌هایی چون لوازم بهداشتی سخن گفته‌اند. به دیگر سخن، ادله در مقام بیان حصر میزان نفقه نیستند بلکه تنها نمونه‌هایی را یاد نموده‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۸، ص ۲۴۹) و نمی‌توان از آنها نفی موارد دیگر را به دست آورد. با پیدایش نیازهای جدید در قرون حاضر، نمی‌توان نفقه زن را در هشت مورد منحصر دانست، چرا که یادکرد برخی از این موارد در شماری از روایات، از باب اغلیبیت است (سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۰۵). قابل توجه است که گرچه نیاز زوجه به طعام و پوشاک و مسکن، نیازی روزمره و غالبی است، اما نمی‌توان نیاز وی به درمان بیماریها را در عصر صدور انکار نمود، چرا که بیماریها از ابتدای زیست آدمی بر کره خاکی، سلامتی و حیات او را تهدید می‌کرده‌اند و در عصر پیدایش دانش پزشکی، برای درمان بیماریها، هزینه‌هایی صرف می‌شد که تبعاً در عصر صدور روایات نیز چنین بوده است.

هم‌چنین از آنجا که مفهوم نفقه، حقیقت شرعی یا متشرعه مانند نماز نیست، بایسته است برای شناخت آن باید به عرف رجوع نمود (مغنیه، ۱۴۲۸ق، ج ۵، ص ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۴۳؛ الفقی، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۱۲۴). از آیه «لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ مَا آتَاهَا» (طلاق، ۷)

نیز می‌توان دریافت که نفقه میزان مشخصی ندارد و تنها به میزان توان انفاق‌کننده وابسته است (سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۰۳؛ سند، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۸۹). از حکم کلی معاشرت به معروف با همسران نیز می‌توان دریافت که موارد مندرج در روایات در قامت نفقات تنها به عنوان نمونه‌هایی از نیازهای اولیه زنان هستند (ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۸، ص ۲۴۰).

این دیدگاه وجود دارد که نفقه زوجه محدود بوده و میزان آن مشخص است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۲؛ ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۳). جالب اینجاست که یکی از طرفداران گرانقدر نظریه مقدر بودن نفقه، از واجب بودن پرداخت هزینه‌های خادم برای زوجه نیز سخن گفته و ملاک را عرف و عادت زندگی پیشین زن می‌داند (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۳). اشکال این روش آنجاست که دلیل لفظی بر وجوب إخدام وجود ندارد، اما باورمندان به مقدر بودن میزان و شمار نفقات با استناد به روایات، از وجوب إخدام نیز سخن گفته‌اند. ناگفته پیداست که در صدور حکم به وجوب چنین مواردی به نیازهای زن توجه شده است نه به روایات رهنمون بر انحصار.

## ۲. تنظیم رابطه زوجیت به کرایه و اجاره

طوسی در کتاب «المبسوط فی فقه الامامیه» برای اثبات عدم وجوب پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه، شوهر و همسرش را به کرایه‌کننده و کرایه‌دهنده یا مستأجر و موجر تشبیه نموده و معتقد است که هزینه‌های مربوط به حفظ اصل مورد اجاره یا کرایه بر عهده مالک است. در مقابل، برخی هزینه‌های بهره‌برداری از خانه مانند نظافت بر عهده مستأجر است. بر اساس همین تنظیم، هزینه‌های مربوط به حفظ حیات زن مانند بیماری بر عهده خود زن خواهد بود (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۸). از این رو، آنچه مربوط به زینت و نظافت است را در شمار نفقات بر شمرده و آنچه مربوط به حفظ بدن است را نفقه نمی‌داند (همان‌جا). شماری از فقیهان شافعی و مالکی به این تنظیم به عنوان دلیلی برای عدم پرداخت هزینه‌های درمان استناد نموده‌اند (انصاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۰؛ دمیاطی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۸۶؛ نووی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۵۰؛ مرداوی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۲۶۲؛ ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۹؛ ابن مفلح، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۸۰).

ممکن است روایت صحیح «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن ابي ايوب الخزاز عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة أ ينظر إليها؟ قال: نعم يشترها بأعلى الثمن» دست‌مايه‌ای برای تقویت این دلیل قرار گیرد. به این بیان که زوج در قامت خریداری، منافع حاصل از زوجه را برای عقد نکاح خریداری می‌کند و رفع عیوب موجود در مال به عهده خریدار نخواهد بود.

با توجه به عبارات بعدی طوسی به نظر می‌رسد که ایشان نیز به نامناسب بودن این تنظیم توجه داشته و روی همین حساب، هزینه خوراک زوجه را از مستثنیات تنظیم خود دانسته و با وجود اینکه طعام مربوط به حفظ حیات زن است اما پرداخت هزینه آن را بر عهده شوهر می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۸). احتمال معناداری به ذهن می‌رسد که طوسی با آوردن عبارت «و شبه الفقهاء الزوج بالمكثري و الزوجة بالمكثري دارا» (همان-جا) در پی بیان نظر فقیهان عامه بوده است، چرا که بر اساس عادت نگارشی شیخ در کتابهای مبسوط و خلاف، برای بیان نظر فقیهان شیعه از عبارت «صحابنا» بهره می‌برد. با نگاهی به کتب فقهی شافعیان و حنابله نیز می‌توان دریافت که تنها دلیل ایشان برای اثبات حکم مسئله همین تنظیم بوده است. همین امر، خود قرینه‌ای بر آن است که طوسی در صدد نقل دیدگاه ایشان بوده است.

از طرفی این قیاس را نمی‌توان با روح پیوند زوجیت که بر مودت و محبت استوار است، سازگار دانست. گرچه در احکام اسلامی، نفقه در مقابل زوجیت قرار دارد، ولی تقسیم اداره زندگی به کارهای بیرون از منزل و کارهای داخل خانه، تقسیمی شبه قراردادی است که وظایف مرد و زن را روشن می‌سازد. حکمت این تقسیم‌بندی اقتضا می‌کند که زوج، هزینه‌های همسرش را که عهده‌دار عمده کارهای منزل است، بپردازد. گرچه با استنکاف زوجه از انجام کارهای منزل، باز هم نفقه به او تعلق می‌گیرد؛ اما حکمت این امر آن است که اگر پرداخت نفقه، به انجام کارهای منزل مقید می‌شد، میان زوج و زوجه به بهانه درست انجام ندادن کارها، درگیری روزانه رخ می‌داد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۷).

از دیگر سو، بنا بر اتفاق فقیهان، زوج صغیر موظف به پرداخت نفقه همسر صغیره خویش نیست (برای نمونه رک: ابن‌جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق،

ج ۵، ص ۱۱۳؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۱، ص ۴۱۳؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۶؛ مرغینانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۶). در حالی که بر اساس تشبیه رابطه نکاح به اجاره، مستأجر در صورت عدم استفاده از مال الاجاره هم محکوم به پرداخت اجاره خواهد بود. هم‌چنین نیک آشکار است که عبارت «بیشترها بأعلى الثمن» در دیدگاه پیش‌گفته، تعبیری کنایی است و نمی‌توان رابطه زوجیت را به رابطه مشتری و بایع تنظیم نمود، چرا که زن آزاد، قابل خرید و فروش نیست، پس ماهیت نکاح در عرف متشرعه، چیزی مانند بیع و اجاره نیست.

### ۳. نادر بودن بیماریهای صعب‌العلاج

برخی از باورمندان به عدم وجوب پرداخت هزینه‌های درمانی بیماریهای صعب‌العلاج بر این باورند که اتفاقات نادر هزینه‌ساز در زندگی را نمی‌توان در شمار نفقات برشمرد (اصفهان‌ی، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۲۲۷؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۷۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۹۱). به دیگر سخن، وجوب پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه تنها مربوط به بیماریهای متعارف است (منتظری، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۳۷۵). در فقه حنفی نیز به این نکته اشاره شده است (ابن‌قدمه، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۷).

گرچه استدلال روشنی بر این مدعا یافت نشد، اما به نظر می‌رسد که منحصر کردن هزینه‌های درمانی به بیماریهای عادی، برداشتی است که از مفهوم «معاشرت به معروف» نزد باورمندان به این دیدگاه وجود دارد. به این بیان که مفهوم «معروف» در این دیدگاه، هر چیز متداول و پربسامد مانند هزینه‌های عادی زندگی برای عموم زنان هم‌تراز خواهد بود. به دیگر سخن، معنای مفهوم «معروف» در این دیدگاه با مفهوم «پربسامد» سازگار است و از آنجا که بیماریهای صعب‌العلاج، به شکلی اتفاقی و به‌ندرت رخ می‌دهند، نمی‌توان آنها را در شمار مفهوم «معروف» برشمرد.

ویژه داشتن مفهوم «معروف» به امور عادی، استوار به نظر نمی‌رسد. در آیات قرآن مجید از مفهوم «معاشرت به معروف» یا «امساک به معروف» سخن رفته است. بر اساس تعریف لغوی و اصطلاحی که در بخش «عموم ادله رفتار به نیکی» خواهد آمد، مفهوم «معروف» به معنای هر عمل پسندیده مستند به حکم عقل یا شرع خواهد بود، در حالی که در برداشت پیش‌گفته، معروف به معنای پدیده عرفی در نظر گرفته شده است. از این رو،

نمی‌توان نادر بودن رخ دادن بیماری را دلیلی بر استنکاف زوج از پرداخت هزینه‌های آن به شمار آورد.

#### ۴. اخلاقی بودن حکم رفتار به نیکی با زنان

این دیدگاه وجود دارد که آیاتی چون «عاشروهن بالمعروف» تنها بیانگر حکمی اخلاقی در چگونگی ارتباط با همسران است و نمی‌توان از آن حکمی فقهی برداشت نمود (ر.ک: حکیم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۳۰۲؛ حکیم، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰). به دیگر سخن، آیه پیش‌گفته تنها بیانگر کیفیت پرداخت نفقه است نه کمیت آن و میزان انفاق ربطی به نحوه معاشرت ندارد (همان‌جا). برخی نیز گرچه به اخلاقی بودن این حکم اشاره نموده‌اند، اما پرداخت هزینه‌هایی افزون بر خوراک، پوشاک و مسکن را تنها مستحب دانسته‌اند (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۴). این دیدگاه وجود دارد که پرداخت هزینه‌های دیگر تنها از باب احسان بر زوجه و توسعه در معیشت او خواهد بود (آل‌عصفور، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۴).

واژه «معروف» در آیه مربوطه، واژه‌ای عام بوده که هم بیانگر کیفیت پرداخت نفقه است و هم بیانگر کمیت آن. با توجه به قرار گرفتن این واژه در بسیاری آیات بیانگر حقوق زوجه، ادعای انصراف آن به حکمی اخلاقی، استوار نمی‌نماید، چرا که سیاق آیات، فقهی بوده و در صدد بیان حکمی شرعی هستند. همچنین حکم به استحباب نیاز به دلیل شرعی دارد. اگر این حکم، از روایات خاصی که در ظاهر رهنمون بر انحصار نفقه در خوراک، پوشاک و مسکن هستند، برداشت شده باشد، نسبت به عموماً قرآنی مانند لزوم رفتار به معروف و نقش قوامیت مرد برای زن نمی‌توان به‌سادگی دست شست، چرا که این عموماً بیانگر قواعدی فراگیر هستند که تخصیص‌پذیر نمی‌نمایند.

#### ۵. جریان اصل عدم مسئولیت

بر اساس یکی از دیدگاههایی که ماهیت آن در مقدمه گفته شد، نفقات زوجه در چند مورد مشخص ویژه داشته شده است. در بیش از این موارد، اصل عدم وجوب جریان دارد، چرا که نسبت به وجوب آن، شک وجود دارد (حکیم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۳۰۲). برخی نیز وجود نداشتن دلیلی بر وجوب پرداخت این نفقه را علت این حکم دانسته‌اند (ر.ک: فاضل

هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۵۶۸؛ مجاهد، بی تا، ص ۵۶۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۳۰۳).

در قانون مدنی نیز گاه از جریان اصاله العدم با عنوان اصل عدم مسئولیت مدنی یاد می شود. به این بیان که ابتلا به بیماریها امری قهری است و از آنجا که در امور قهری، مسئولیت مدنی وجود ندارد، در مورد بیماریهای زوجه هم مسئولیتی متوجه شوهر نیست (مرتاضی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۴). برخی نیز پرداخت مواردی مازاد بر طعام، اِدام، پوشاک و فراش را مایه ضرر بر به زوج دانسته‌اند (مجاهد، بی تا، ص ۵۶۷) و از آنجا که زوج در موارد ایجاد ضرر، هیچ مسئولیتی ندارد، ملزم به پرداخت هزینه‌های توأم با ضرر نخواهد بود.

جریان اصاله العدم زمانی مجاز خواهد بود که نسبت به میزان مازاد شک معناداری وجود داشته باشد. در حالی که با دقت در روایات می توان این شک را زدود. برای نمونه، عموماً قرآنی و روایی که در ادامه خواهند آمد، به آشکاری زائل کننده این شک خواهند بود. هم چنین در شماری از روایات، ضابطه‌ای کلی پرداخت نفقه ارائه شده که ناظر به رفع تمامی نیازهای زوجه است. گرچه در شماری روایات مصادیق نفقه یاد شده‌اند، اما از عباراتی چون «ادّی الیها حقها» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۴۵۷) و «ما یقیم صلبها» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۷۷) می توان دریافت که روایات انحصار در مقام برشمردن برخی از مهمترین نیازهای متعارف بوده‌اند.

باور به اینکه در رخدادهای قهری و اتفاقی نیز هیچ گونه مسئولیت مدنی وجود ندارد نیز نالاستوار است. نمونه استقرار این مسئولیتها را در مواردی چون مسئولیت شرکتهای بیمه، ترک فعل ناشی از بی توجهی به رخدادهای احتمالی قهری و قوانین مسئولیت مدنی پیش گیرانه می توان آشکارا دید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: بادینی و عباسی، ۱۳۹۶ش، صص ۴۳-۴۶). هم چنین ایجاد ضرر مالی برای زوج را نمی توان علتی برای استنکاف او از پرداخت نفقه برشمرد، چرا که اولاً: صدق عنوان ضرر بر پرداخت نفقه به همسری که زندگی مشترک را با او شکل داده، نادرست است و ثانیاً: اگر پرداخت هزینه‌های درمان موجب ضرر به زوج شمرده شود، پرداخت سایر هزینه‌ها مانند مسکن و خوراک که در طول زندگی میزان چشمگیری دارند هم موجب ضرر مالی به زوج خواهد بود. در حالی که هیچ فقهی این هزینه‌ها را هزینه‌های ضرری یا غرری ندانسته است.

## دیدگاه برگزیده

بر اساس آنچه در بخش پیشین گذشت، هیچ یک از ادله باورمندان به عدم وجوب پرداخته هزینه‌های بیماری سخت زوجه، اتقان لازم برای اثبات دعا را نداشتند. در این بخش، به تبیین ادله‌ای پرداخته می‌شود که می‌توان از آنها برای اثبات واجب بودن پرداخت هزینه‌های درمان هرگونه بیماری زوجه بهره برد.

### ۱. عموم ادله رفتار به «معروف»

در شماری از آیات به روش رفتار با همسران اشاره شده است. به نظر می‌رسد عمومات این روش رفتاری را می‌توان دست‌مایه‌ای برای یافتن حکم کیفیت و کمیت نفقه قرار داد. در ادامه به شماری از این آیات اشاره می‌شود.

### ۱-۱. معاشرت به معروف

یکی از مؤلفه‌های بنیادین آموزه‌های اسلامی درباره نظام حقوق خانواده، چگونگی تعامل زوجین با یکدیگر است. قرآن کریم روش رفتار با همسران را بر محور مفهومی با عنوان «معروف» قرار داده است. در منظومه شناختی قرآن پیرامون حقوق زن، حداقل چهارده بار از واژه «معروف» به عنوان وصف رفتار با زنان یاد شده است (ر.ک: بقره، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۰؛ نساء، ۱۹، ۲۵، ۶۵). شماری از فراگیرترین احکام در این باره را در آیات ذیل می‌توان جست: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹)؛ «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۲۲۹) و «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا» (بقره، ۲۳۱). گرچه این آیات در مقام بیان حکم ارث و چگونگی طلاق زنان هستند، اما با توجه به فراوانی بهره از این مفهوم در چگونگی کنش گری با زنان و نیز الغای خصوصیت از انحصار به احکام خاص، می‌توان قاعده‌ای کلی با عنوان «معاشرت به معروف» در مواجهه با زوجات را دریافت.

لغت پژوهان، مفهوم «معروف» را به معنای چیزی دانسته‌اند که نزد عقل و شرع پسندیده بوده و توسط آنها پذیرفته شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۱۱۸). بر این اساس، هر عمل معروفی سبب اطمینان و آرامش آدمی خواهد بود و هر عمل منکر نیز سبب گریز و تشویش وی می‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۸۱).

در اصطلاح دانش فقه، معروف را چنین تعریف نموده‌اند: «المعروف هو كل فعل حسن اختص بوصف زائد علی حسنه إذا عرف فاعله ذلك أو دل علیه و المنکر كل فعل قبیح عرف فاعله قبحه أو دل علیه» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۲۹).

بر این اساس، هر کنش نیک اقتصادی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی را می‌توان مصداقی از معروف دانست. از آنجا که برای معروف، مراتب و مراحل مختلفی وجود دارد، نمی‌توان تعداد محدودی را به عنوان مصداقی آن بر شمرده (نوری همدانی، ۱۴۳۴ق، ص ۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۱۸۱). به نظر می‌رسد «معروف»، هر عملی است که افزون بر نیکویی و حُسن، در خارج هم نیکو شمرده می‌شود. به همین دلیل، انجام‌دهنده آن مدح می‌شود.

مفسران نیز در آیات مربوط به در پیش‌گرفتن رفتار معروف با زنان (ر.ک: بقره، ۲۲۸-۲۳۵؛ نساء، ۶۵)، مصداقی چون رفتار نیکو (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۲۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵، ص ۹۶) و رعایت انصاف (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۰) را ذکر کرده‌اند. برآیند تحقیق واژگانی و تفسیری نشان می‌دهد که معاشرت به معروف در مقابل زنان، رفتاری است که از منظر عقل، شرع و عرف صحیح، پسندیده شمرده شود. فقیهانی با استناد به دو آیه ۱۹ سوره نساء و ۲۲۹ بقره، حکم وجوب پرداخت هزینه نیازمندیهای مالی زن را در یافته‌اند (سبزواری، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۰۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۶۹؛ نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ حسینی روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳۳، ص ۴۳۳).

برخی بر این باورند که مقتضای اطلاق آیه و اخبار مطلقه، وجوب پرداخت تمام هزینه‌های زندگی زن است، اما اخبار بیانگر تحدید سبب تقیید این مطلقات می‌شوند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۴۲۳؛ اراکی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۳). اما این استدلال استوار به نظر نمی‌رسد، زیرا همان‌گونه که گفته شد، بیان موارد نفقه در روایات از باب غالبی یا حداقلی بوده‌اند نه از باب انحصار.

### ۱-۲. پرداخت رزق به معروف

آیه «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۳) یکی از آیاتی است که در شمار ادله رفتار با وصف معروف با همسران قرار دارد. مراد از عبارت «مولود له» در این آیه، پدر خانواده است. در این آیه آشکارا پرداخت هزینه در دو مورد «رزق» و «کسوه» به عهده مرد نهاده شده است. رزق در لغت به معنای عطا، نصیب، روزی، اموال غیرمنقول، پرداختی مقرر از سوی صاحبکار و هر آن چیزی است که برای انسان مقدر شده و به او داده می‌شود (ابن‌درید ازدی، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۷۰۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۳۲۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۱۵). به دیگر سخن، این واژه بیانگر مفهومی است که هر گونه انتفاع مادی و معنوی را در بر می‌گیرد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۱). در ادعیه مأثوره نیز مواردی چون علم، عمل، فهم و بصیرت در قامت رزق از پروردگار طلب شده‌اند (برای نمونه ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۲۹۱ و ج ۶۵، ص ۱۲۸).

در دانش فقه نیز «رزق»، عنوانی عمومی است که یا در معنای مصدري به‌کار می‌رود یا به عنوان اسم مصدر. در هر دو صورت، هرگونه چیز قابل تحصیل را شامل می‌شود (انصاری شوشتری، ۱۴۴۱، ج ۱۵، ص ۳۲۱). بر اساس مفاهیم لغوی و اصطلاحی، رزق، عنوانی فراگیر خواهد بود که تمامی نیازهای زن را در بر می‌گیرد (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۳۳؛ سند، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۸۹؛ زیدان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۹۳؛ بلتاجی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۷).

بر اساس عموم این ادله که رهنمون بر رفتار به معروف با زوجه است، پرداخت هزینه‌های زندگی زوجه بر عهده زوج خواهد بود (سند، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۹۰). هزینه‌های درمانی نیز در شمار هزینه‌های جاری زندگی قرار دارند و در صورت امتناع زوج از پرداخت این هزینه‌ها به شرط توانمند بودن، زوجه حق مراجعه به حاکم برای دریافت آنها را دارد (سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۰۵).

### ۲. نقش قومیت مرد برای زن

قرآن مجید، به هنگام بیان نسبت زوجین، مرد را با عبارت «قوام» توصیف می‌نماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

(نساء، ۳۴). واژه «قوام»، صیغه مبالغه از ریشه «قَوْمَ» به معنای نگهداری، حفاظت، صیانت و دفاع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۷). از آنجا که در اسلام، مسائل مربوط به خانواده اهمیت و حساسیت قابل توجهی دارد، از صیغه مبالغه «قوام» به جای «قیام» استفاده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۸، ص ۵۵۱).

دانشوران مسلمان، واژه قوام در این آیه را به معنای اصلاح امور (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۲، ص ۲۳۱)، تدبیر (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۶۹؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۰۷)، اهتمام به نگهداری و دفاع شایسته (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۳۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵، ص ۱۶۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۰)، مدیریت کردن و حمایت (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۶۷؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۲۵) و نیز به عهد گرفتن امور مالی (انصاری، بی تا، ج ۳، ص ۴۲۶؛ ثلاثی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۵۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۱۳) دانسته‌اند.

هم‌چنین در آیه به عنوان نفقه اشاره شده و در عرف، تمامی اموری که قوام زن بدان وابسته است را شامل می‌شود (سند، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۸۸). کسانی نیز آشکارا آیه را بیانگر تکفل تمامی امور زن و لزوم برآوردن انواع احتیاجهای مشروع زوجه دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۳۶؛ سیفی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۱۳). با توجه به مفهوم «قوام» بودن مرد برای زوجه و هم‌نشینی آن در کنار انفاق به او، به نظر می‌رسد که تمامی موارد پیش‌گفته ذیل مفهوم جامعی با عنوان «سرپرستی کردن زوجه» قرار خواهد داشت.

مقتضای این سرپرستی و کفالت آن است که نیازهای واقعی زوجه توسط سرپرستش یعنی شوهر تأمین گردد. نیک هویداست یکی از مصادیق مهم قوامیت مرد بر زن، برپاداشتن حیات زوجه است که این امر با پرداخت هزینه‌های درمان او در هنگام بیماری تحقق می‌یابد.

### ۳. اقتضای مسئولیتهای مرد در برابر عائله

در شماری از احادیث معصومان علیهم‌السلام از مفهومی با عنوان «عیال» و توجه به امور او سخن رفته است: «أَنَّ الْأُنثَى فِي عِيَالِ الذَّكَرِ إِنْ احْتَأَجَتْ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُعُولَهَا وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا» (ابن-

بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۹۸)، «أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۲۳۰) و «يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ» (همان، ج ۷، صص ۲۳۱-۲۳۲). عیال در لغت جمع «عِیْل» به معنای فقیر، نیازمند و هر چیز سنگین بر آدمی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۲۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۷). در اصطلاح دانش فقه به معنای افرادی است که در سرپرستی کسی قرار دارند و در اصطلاح، نانخور او شمرده شده (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲ش، ج ۵، ص ۵۲۱) و در نیازهای معیشتی به سرپرست خود وابسته‌اند (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۸۰). بر این اساس، سرپرستی مرد اقتضاء دارد تا نیازمندیهای عائله خویش و به‌ویژه نیازهای مربوط به حفظ الصحه عیال خویش را برآورده سازد.

کلینی در حدیث موثقی از امام رضا علیه السلام چنین نقل می‌کند: «صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَنْ عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۲۳۳). از این حدیث می‌توان به‌سادگی، حکم الزامی بر آوردن انواع نیازهای زن و سایر افراد واجب النفقه را استنباط نمود، چرا که ایجاد راحتی در امور زیستی افراد خانواده، یکی از شاخصه‌های آموزه‌های اسلامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۳۶۰).

#### ۴. روایات رهنمون بر عدم انحصار نفقه در موارد خاص

بر اساس شماری از روایات می‌توان دریافت که موارد نفقه منحصر به مصادیق خاصی نیست. دسته‌ای از این روایات مصادیق گوناگونی از نفقه را بر شمرده‌اند و دسته‌ای دیگر معیاری عمومی برای پرداخت نفقه بیان کرده‌اند. در این بخش به بررسی این روایات پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۱. توسعه مصادیق نفقه

طوسی به اسناد خود در حدیث صحیحی پرسش شهاب بن عبد ربه و پاسخ امام صادق علیه السلام به وی را چنین نقل می‌نماید: «قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا؟ قَالَ علیه السلام يَسُدُّ جَوْعَتَهَا وَ يَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَ لَا يَقْبَحُ لَهَا وَجْهَهَا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَ اللَّهِ أَدَّى إِلَيْهَا حَقَّهَا. قُلْتُ فَالْدَّهْنُ قَالَ غَيْبًا يَوْمًا وَ يَوْمًا لَا قَالَ قُلْتُ فَاللَّحْمُ قَالَ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مَرَّةً فِي الشَّهْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قُلْتُ فَالصَّبْغُ قَالَ فِي كُلِّ سِتَّةِ أَشْهُرٍ وَ يَكْسُوهَا فِي كُلِّ سَنَةٍ أَرْبَعَةَ أَثْوَابٍ تُؤَبِّنُ

لِلشَّاءِ وَ تَوْبِينٍ لِلصَّيْفِ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تُقْفَرَ بَيْنَكَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ الْخَلِّ وَ الزَّيْتِ وَ دُهْنِ الرَّأْسِ وَ قَوْتِهِنَّ بِالْمُدِّ فَإِنِّي أَقُوتُ عِيَالِي بِالْمُدِّ وَ لِيُقَدَّرَ كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ قُوْتُهُ فَإِنْ شَاءَ أَكَلَهُ وَ إِنْ شَاءَ وَهَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ تَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا يَكُونُ فَآكِهَةً عَامَّةً إِلَّا أَطْعَمَ عِيَالَهُ مِنْهَا وَ لَا يَدْعُ أَنْ يَكُونَ لِلْعَيْدَيْنِ مِنْ عَيْدِهِمْ فَضْلاً مِنَ الطَّعَامِ أَنْ يُنْبِلَهُمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً لَا يُنْبِلُهُمْ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۴۵۸-۷۸). در این روایت مواردی چون روغن برای مو، گوشت، میوه، سرکه، روغن زیتون، البسه مناسب فصل و... در شمار وظایف مرد برشمرده شده‌اند.

برخی از باورمندان به انحصار نفقه بر این باورند که این روایت را باید بر حالت غالبی در عصر صدور حمل نمود و میزان کافی در نفقه، همان خوراک و پوشاک و مسکن است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۱۴). گرچه این موارد را می‌توان بر حالت متعارف در عصر صدور حمل نمود، اما مقتضای این حمل آن است که ضابطه پرداخت نفقه، نیازهای زوجه در هر عصری است و نه منحصر نمودن آنها در مواردی خاص. بنا بر دیدگاهی دیگر پرداخت مواردی چون لوازم بهداشتی که از این روایت بر می‌آید، بر استحباب حمل شده است (همان، ج ۷، ص ۳۴۷؛ حکیم، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۶۵). این برداشت نیز استوار نمی‌نماید، چون این موارد در سیاق بیان احکام وجوبی که در صدر روایت آمده، بیان شده‌اند و حمل آنها بر استحباب نیازمند دلیل یا قرینه قابل قبول است که در این مورد چنین چیزی وجود ندارد.

همچنین عبارت «ادّی الیها حقها» در این حدیث، تعبیری کنایی است که از افزودن موارد دیگر نفقه به طعام و پوشاک در صدر روایت فهمیده می‌شود (حسینی روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳۳، ص ۴۳۵). به نظر می‌رسد این عبارت بیانگر مفهومی کلی است که عناوینی چون خوراک، پوشاک و... در برخی روایات، مُشیر به مفهوم آن هستند. این مفهوم، همان نیازهای متعارف و واقعی زن است که در این روایت تنها به ذکر مصادیقی از آن پرداخته شده است.

قانونگذار نیز با ذکر عبارت «از قبیل» در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی<sup>۷</sup> به جنبه عدم انحصار موارد مذکور پرداخته و مواردی چون مسکن، البسه و غذا را به عنوان نمونه ذکر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۵ش، ص ۱۴۲). این دیدگاه نیز وجود دارد که موارد مندرج در این ماده تنها مصادیق مهم نفقه هستند که برای بقا و تثبیت خانواده ضروری است. هم‌چنین به یاری عبارت «نیازهای متعارف» می‌توان دریافت که مواردی مانند هزینه معالجات نیز در شمار نفقات قرار دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۷۲).

#### ۴-۲. روایات رهنمون بر وجوب قوام بخشی زوجه

از عباراتی مانند «ما یُقیمُ ظَهْرَها» و «ما یُقیمُ صُلْبَها»<sup>۸</sup> در این روایات حد پرداخت نفقه را می‌توان دریافت. برای این منظور، فهم محتوای این عبارات بایسته می‌نماید. مصدری بار ریشه «ظَهْر» در دانش واژه‌شناسی به معنای مخالف با بطن، پشت، آشکار شدن، برتری، مطلع شدن، برتری و پیروزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۷۱). برخی از مشتقات این واژه به شکل ظَهَار: روی گرداندن از همسر (گونه‌ای از طلاق عصر جاهلی)، ظَهَار: قوی پشت و ظهیر: پشتیبان آمده است. به نظر می‌رسد مراد از «اقامه ظهر» به معنای برپاداشتن سلامت و توان باشد. از این روی، شتر قوی را «بعیر ظهیر» می‌خوانند. «صُلْب» نیز با مواردی چون کمر، استخوان میانی کمر، شدید و مخالف نرم تبیین لغوی شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۰۱). صلابت که یکی از مشتقات این ریشه است به معنای غلظت، شدت و استواری است. تمامی این معانی را به مفاهیمی چون قدرت و استواری و هر معنای مخالف با سستی می‌توان بازگرداند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶، ص ۳۱۸).

فقیهانی دو عبارت «اقامه ظهر» و «اقامه صُلْب» در این روایات را تعبیری کنایی دانسته‌اند که به معنای رفع تمامی نیازهای همسر است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵،

۷. «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

۸. این روایات در بدر ادامه آمده‌اند. برای پرهیز از تکرار از درج مجدد آنها خودداری شد.

ص ۱۲۰؛ نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۱، ص ۵۶؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۹۲؛ سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۰۵). یکی از مصادیق «ما»ی موصول در این روایات، درمان بیماریهای صعب‌العلاج است (سیفی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۹۳). به دیگر سخن هر آنچه برای پایدار ماندن معیشت زن مورد نیاز است (سند، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۹۵)، در شمار نفقات قرار می‌گیرد. از این رو می‌توان پرداخت هزینه هرگونه درمان را از مصادیق مفهوم «قوام‌بخشی» ارزیابی نمود.

### ۵. قرار داشتن هزینه درمان در شمار نیازهای زن

در سوی مقابل دیدگاهی که نفقه را به موارد مشخصی منحصر می‌داند، دیدگاه دیگری می‌توان یافت که ضابطه پرداخت نفقه را نیازهای زوجه به نحو عام می‌داند. فقیهان برای بیان این منظور از عبارت «ما تحتاج الیها» بهره برده‌اند. تعبیر دیگری از این عبارت، همان هزینه‌های زندگی است.

درخور توجه است که به باور پیشینه فقیهان، قید متعارف بودن را باید در هنگام محاسبه هزینه‌ها لحاظ نمود (ابن‌ادریس حلی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۱، ص ۴۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۴۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۵ش، ج ۲، ص ۱۷۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۱۲۳؛ نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ص ۳۳۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۳۰۲؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۹۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۸، ص ۲۴۰؛ سیفی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۹۳؛ سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۰۴). برخی از شافعیان نیز به لزوم متعارف بودن نفقات اشاره نموده‌اند (ابن‌مفلح، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۷۹؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۴۵).

جالب اینجاست که باورمندان به عدم پرداخت هزینه‌های درمان بیماریهای سخت، خود به ضابطه پیش‌گفته باور دارند (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۲۲۶؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۳۳۹). برای نمونه امام خمینی ملاک در محاسبه مؤونه برای پرداخت خمس را نیازهای عرفی شخص و خانواده می‌داند (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۷۵).

از بررسی عبارات فقیهان پیش‌گفته چنین برمی‌آید که مراد از متعارف بودن، معیار قرار دادن عرف در قامت شاخصه‌ای برای داوری درباره ارزش‌سنجی هزینه‌هاست. در این ارزیابی، هزینه‌های درمانی یکی از نیازهای متعارف زن دانسته شده است (سبزواری،

۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۳۰۲؛ صادقی تهرانی، ۱۳۷۸ق، ص ۲۱۰؛ سیفی، بی تا، ج ۳، ص ۷۹۳). بر این اساس، فقیهانی، تأمین هزینه‌های موارد ذیل را بر عهده شوهر دانسته‌اند: روغن مو، عطر، صابون، عینک، دندان مصنوعی، ویلچر، اعضای مصنوعی برای فاقدین آنها (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۴۵۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۸، ص ۲۵۰؛ الفقی، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۱۲۶).

اما معیار دانستن عرف به نحو عام برای فهم نیازهای زوجه، استوار به نظر نمی‌رسد، چرا که عرف عام را یارای درک نیازهای شخصی افراد به نحو فراگیر نیست. به این بیان که نظریه عرف عام، نتیجه‌ای را در بر دارد که با مفهوم «میانگین ریاضی» سازگار است، در حالی که نمی‌توان از طریق میانگین گرفتن از نیازهای طبقات مختلف جامعه، شئون متناسب با یک شخص را برای یافتن کمیت و کیفیت نیازهای متناسب با او دریافت. آشکارا مواردی در جوامع طبقاتی امروزی می‌توان یافت که با میانگین وضعیت جامعه در قامت شاخصی آماری تفاوتی چشمگیر دارند. به نظر می‌رسد که پیش از دانستن مرجع تشخیص نیازهای زوجه، بایسته است تعریفی مناسب از مفهوم نفقه با توجه به تفاوت ساختاری، روشی و کمیتی زیست افراد و خانواده‌های مختلف در جوامع امروزی ارائه داد. توجه به معیار مهم ملاک بودن «مایحتاج»، رهنمون به این نکته است که نفقه زوجه را می‌توان به شکل ذیل تعریف نمود: «هزینه برآوردن تمامی نیازهای واقعی زن با توجه به شرایط زیستی، خانوادگی، جسمی و روحی او». قید «تمامی» از مفاهیم برآمده از نقش قوامیت مرد برای زن و اقتضای عیال بودن زن قابل استنتاج است. قید «واقعی» نیز در این تعریف به منظور خارج ساختن نیازهای توهمی و ادعایی درج گردیده است. به این بیان که مواردی که به گمان زن در شمار نیازهای او قرار دارند و اما در واقع نمی‌توان آنها را در شمار مفهوم نیاز گنجانده، در شمار نفقات نخواهند بود. برای نمونه اگر برای ادعای زوجه‌ای در نیاز داشتن به سفرهای تفریحی خارجی، دلیل قابل قبولی وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن را در شمار نیازهای واقعی او دانست.

بر اساس این تعریف، بایسته است که مرجعی مقبول برای تشخیص نیازهای واقعی زوجه یافته شود. به نظر می‌رسد داوری درباره حقیقی بودن این نیازها بر عهده عرف یا خردمندان آگاه از وضعیت هر زنی خواهد بود. از این رو نمی‌توان نظریه عمومی عرف را

ضابطه‌ای برای فهم نیازهای حقیقی زوجه دانست، بلکه تنها مرجع برای درک نیازهای واقعی زوجه، افرادی هستند که به وضعیت خانوادگی، روحی، اشتغال، محیط پرورش و... اشراف و آگاهی کافی داشته باشند.

به نظر می‌رسد که مراد از عبارت «ما تحتاج الیها» در سخن فقیهان، تمامی نیازهای طبیعی زن برای زندگی مناسب است و توهم احساس نیاز به امری را نمی‌توان عاملی برای برآوردن آن نیاز دانست. بر این اساس، نیازهای درمانی زوجه در شمار نیازهای حقیقی او شمرده شده و از دیگر سو برای ادامه زیست متناسب وی ضروری هستند. البته در وجوب تأمین این نیازها، شوهر به اندازه توان خویش مسئول خواهد بود و به سان هر تکلیف دیگری که قدرت، شرط استقرار وجوب است، هزینه‌های خارج از توان شوهر از عنوان نفقه، خارج خواهند بود.

برخی از حقوقدانان نیز بر این باورند که معیار قانونی برای پرداخت نفقه، لزوماً پول نیست بلکه تمامی مایحتاج زندگی، نفقه است ولی چون این مایحتاج از طریق پول تأمین می‌شود، معمولاً نفقه به پول پرداخت می‌شود (یوسف‌زاده، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۵). از کلمه احتیاج در این ماده نیز می‌توان فهمید که معیار پرداخت نفقه، همان احتیاج زن است.

## ۶. قیاس اولویت

یکی از روشهای یافتن برخی احکام شرعی که نمی‌توان دلیل منصوصی بر صراحت حکم آنها یافت، بهره از روشی است که به قیاس اولویت شهره است. در این روش، حکم مواردی یافته می‌شود که اهمیت موضوع آن نسبت به موضوع مورد پژوهش، کمتر است. در گام بعدی با بهره از حکم عقلانی تعمیم حکم به مورد مهمتر، حکم موضوع مورد پژوهش نیز یافته می‌شود.

در مسئله حاضر نیز می‌توان از این روش بهره برد. به این بیان که فقیهان بر شماری پرداخت هزینه‌های خادم برای زوجه‌ای که پیش از آن نیز خادم داشته را واجب دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۱۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۷۰؛ آل‌عصفور، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۴۲؛ زحیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۲۵۰). شافعیان نیز این نفقه را پذیرفته‌اند (ماوردی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۵)؛ انصاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۲۸؛ خطیب شربینی،

۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۸۷؛ نووی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۴۴). فقیهان مالکی نیز یکی از موارد شش‌گانه نفقه را إخدام متناسب با شأن زوج دانسته‌اند (قرافی، ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۴۶۷؛ ابن جزئی کلبی، بی‌تا، ص ۱۴۷). احناف نیز این قول را پذیرفته‌اند (ابن‌نجیم مصری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۹۸؛ زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ج ۲، ص ۸۶؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۵۸۹؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۳۲۷؛ کاسانی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۴). برخی از حنابله نیز در صورت نیاز زن به خادم، آن را در شمار نفقات دانسته‌اند (حجاوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۸؛ مرداوی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۲۶۴؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۴۶۴).

مخالفان پرداخت هزینه‌های بیماری‌های صعب‌العلاج نیز از وجوب إخدام برای زنان باشوکت سخن گفته‌اند (اصفهانی، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۲۲۶؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۳۴۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۷۴). حتی در مواردی که شأن زن اقتضای استخدام خدمت کار را ندارد، اما به سبب امور دیگری مانند تعدد فرزندان، بیمار بودن و پیری به خادم نیاز دارد، وجوب إخدام بر مرد استقرار پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۴۵). هم‌چنین شماری از این مخالفان، پرداخت هزینه‌های وسایل نظافت را واجب دانسته‌اند (ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۵؛ سبزواری، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۰۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۴۲).

بر این اساس، اگر پرداخت هزینه‌های خادم و نظافت بر زوج واجب است، به طریق اولی، پرداخت هزینه‌های حفظ حیات هم واجب خواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۸ق، ج ۵، ص ۳۱۴). چرا که نیازمندی زوج به درمان بیش از نیاز وی به خادم و وسایل نظافت است و درمان کردن در مقابل إخدام و آلات تنظیف، امری است که حیات زوجه بدان وابسته خواهد بود.

## ۷. سیره متشرعه

افزون بر ادله پیش‌گفته در میان متشرعه و عقلا می‌توان آشکارا دید که بر تأمین نیازهای درمانی زوج خود هیچ فروداشت و تساهلی ندارند، تا جایی که سیره مسلمین بر پرداخت هزینه‌های درمان همسر با وجود فروختن وسایل خانه و فرش منزل، امری مشهور است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۲۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۴۹). هم‌چنین

عرف متشرعه، مردی را که بر پرداخت هزینه‌های درمان همسرش توانمند باشد ولی از آن استنکاف کند را مذمت می‌نماید (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۳).

نیک هویداست که مانند سایر احکام، تمام دلایل پیش‌گفته، توانایی اثبات حکم در صورت توانمند بودن مکلف را دارند و در صورت عدم توانمندی مکلف، حکم اولیه درباره او تغییر پیدا خواهد کرد. بر این اساس، مردی که توان پرداخت هزینه‌های درمانی همسرش را به هر طریق مشروعی دارد، بایسته است تا این هزینه‌ها را در شمار نفقات زندگی مشترک دانسته و برای حفظ پیوند زوجیت، برای تهیه و پرداخت آن تلاش نماید.

### نتیجه

۱. شماری از فقیهان برای اثبات عدم مسئولیت زوج نسبت به هزینه‌های درمانی زوجه به دلایلی چون انصراف ادله، تنظیر رابطه زوجیت به کرایه، نادر بودن بیماریهای صعب‌العلاج و اصل عدم مسئولیت استناد نموده‌اند. اما ثابت شد که هیچ یک از این ادله، صلاحیت اثبات حکم را ندارند. به نظر می‌رسد برداشت باورمندان به این دیدگاه از موارد و میزان نفقه، در بستر زمانه ایشان سامان یافته است.

۲. بر اساس ادله بیانگر رفتار به معروف، بنیادیت‌ترین مؤلفه‌های رفتاری با زنان عبارتند از: معاشرت به معروف و پرداخت رزق به معروف. مفهوم «معروف» نیز به معنای هر آن چیزی است که شرع، عقل یا عرف صحیح آن را پسندیده به شمار آورند. یکی از مصادیق آشکار رفتار به معروف، تلاش در جهت بازبایی سلامت و حفظ حیات زوجه است.

۳. ادله بیانگر قوامیت مرد برای زنان و تأمین نیازهای عائله، بیانگر وجود مسئولیت شوهر در تأمین انواع نیازهای زوجه هستند. لازمه این مسئولیت، اداره و سرپرستی مناسب افراد و کانون خانواده توسط شوهر به نحو الزامی است.

۴. بر اساس ادله رهنمون بر ادای حقوق زن و پرداخت نفقه با تحقق «اقامه ظهر»، نفقه زوجه عبارت است از هزینه برآوردن تمامی نیازهای واقعی زن با توجه به شرایط زیستی، خانوادگی، جسمی و روحی او. مرجع تشخیص واقعی بودن نیازها عرف آگاه از شرایط هر زن است.

۵. فقیهان پرشماری پرداخت هزینه‌هایی چون خادم و وسایل نظافت را واجب دانسته‌اند. از آنجا که حفظ حیات زوجه از بهره‌وری او از این موارد مهمتر است، می‌توان

با استفاده از قیاس اولویت بر حکم وجوبی پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه دست یافت. هم‌چنین سیره متشرعه بر پرداخت تمامی هزینه‌های درمانی رهنمون است.

۶. بر حسب استظهار از ادله لفظی و اجتهادی، قید متعارف در ماده ۱۱۰۷ ق.م.به معنای متعارف بودن انواع نیازهای زوجه خواهد بود و نمی‌توان آن را به معنای متعارف بودن نیازهای درمانی دانست.

### **پیشنهادها**

بر اساس آنچه گذشت، پرداخت تمامی هزینه‌های درمانی زوجه بر عهده شوهر متمکن بر پرداخت است. پیشنهاد می‌شود در این راستا موضوعاتی چون ملاک‌یابی زمان استحقاق نفقه، معیارهای ضابطه‌مندسازی نیازهای واقعی زوجه، حکم پرداخت هزینه‌های تحصیل زوجه، کمیت و کیفیت پرداخت نفقات مردان چندهمسر و حکم پرداخت نفقات در صورت ایجاد تعارض میان نیازهای شخصی با نیازهای زوجه، دست‌مایه پژوهشهای آتی قرار گیرد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (١٣٨٧ش). موسوعة ابن ادریس الحلی. قم: دلیل ما.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٧٨ق). عیون أخبار الرضا. تهران: جهان.
- همو (١٤١٣ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر (١٤٠٦ق). المهدب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن تیمیة، عبدالسلام بن عبدالله (١٤٠٤ق). المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام احمد بن حنبل. ریاض: مکتبة المعارف.
- ابن جزى کلبی، محمد بن احمد (بی تا). القوانین الفقهية فی تلخیص مذهب المالکة. بی جا: مطبعة النهضة نباس.
- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (١٤١٦ق). مجموعة فتاوی ابن الجنید. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (١٤٠٨ق). الوسيلة الی نیل الفضیلة. قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
- ابن درید ازدی، محمد بن حسن (١٩٨٨م). جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر (١٤١٢ق). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دارالفکر.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد (١٤٢٠ق). التحرير والتنوير. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (١٤٠٤ق). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا). المقنع فی فقه الإمام احمد. قاهره: مکتبة السلفية.
- ابن مفلح، محمد بن مفلح (١٤٢٢ق). کتاب الفروع و معه تصحیح الفروع. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر؛ دارصادر.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم (بی تا). البحر الرائق شرح کنز الدقائق. بیروت: دارالمعرفة.
- اراکی، محمد علی (١٤١٣ق). رسالتان فی الإرث و نفقة الزوجة. قم: بی نا.
- ازهری، محمد بن احمد (١٤٢١ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اشتهاودی، علی پناه (١٤١٧ق). مدارک العروة. قم: اسوه.
- اصفهانی، سید ابوالحسن (١٣٩٣ش). وسیلة النجاة. قم: مهر استوار.

- آل عصفور، حسین بن محمد (بی تا). *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع*. قم: میرزا محسن آل عصفور.
- الفقی، عمرو عیسی (۲۰۰۵م). *الموسوعة الشاملة فی الأحوال الشخصية*. اسکندریه: المكتب الجامعی الحدیث.
- انصاری، زکریا بن محمد (بی تا). *اسنی المطالب فی شرح روض الطالب*. بیروت: دارالکتاب الإسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بادینی، حسن، و عباسی، سمیه (۱۳۹۶ش). *ارزیابی مسئولیت مدنی و مقررات ایمنی در پیشگیری از فعالیتهای خطرآفرین*. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۱(۹۹)، ۳۱-۵۸. doi: 10.22106/rlj.2017.29207
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بلتاجی، محمد (۱۴۲۷ق). *دراسات فی الأحوال الشخصية*. قاهره: دارالسلام.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۰۲ق). *کشاف القناع عن متن الإقناع*. بیروت: دارالفکر.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۶ق). *منهاج الصالحین*. قم: مدین.
- ثلاثی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق). *تفسیر الثمرات البیاعة و الأحکام الواضحة القاطعة*. صعده: مکتبه التراث الإسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸ش). *حقوق خانواده*. تهران: گنج دانش.
- حجاوی، موسی بن احمد (بی تا). *الإقناع فی فقه الإمام احمد بن حنبل*. بیروت: دارالمعرفة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حسن، زکی (۱۴۲۹ق). *فقه النفقة: نفقة الزوجة الدائمة*. بیروت: دارالقاری.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق (۱۳۸۳ش). *استفتائات*. قم: حدیث دل.
- همو (۱۴۲۹ق). *فقه الصادق علیه السلام*. قم: منشورات اجتهاد.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۰۱ق). *توضیح المسائل جامع*. مشهد: دفتر مؤلف.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۲ق). *الفقه*. بیروت: دارالعلوم.
- حکیم، سید محسن (۱۳۷۴ش). *مستمسک العروة الوثقی*. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- حکیم، سید محمدسعید (۱۴۱۷ق). *مصباح المنهاج (الطهارة)*. بیروت: مؤسسه المنار.

- همو (۱۴۲۵ق). منهاج الصالحين. نجف: دارالهدى.
- حلى، حسن بن يوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الأذهان الى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- همو (۱۴۲۰ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- همو (۱۴۱۲ق). منتهى المطلب فى تحقيق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- خطيب شربيني، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق). الإقناع فى حل الفاظ ابى شجاع. بيروت: دارالفكر.
- همو (۱۴۲۱ق). معنى المحتاج الى معرفة معانى الفاظ المنهاج. بيروت: دارالفكر.
- خمينى، سيد روح الله (۱۳۹۲ش). تحرير الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام.
- خويى، سيد ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحين. قم: مدينة العلم.
- همو (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئى. قم: مؤسسه احياء آثار امام خويى.
- درويش، محيى الدين (۱۴۱۵ق). إعراب القرآن الكريم و بيانه. بيروت: اليمامة؛ دار ابن كثير؛ حمص: دارالإرشاد.
- دمياطى، عثمان بن محمد (بى تا). اعانة الطالبين على حل الفاظ فتح المعين. بيروت: دارالفكر.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فى غريب القرآن. دمشق: دارالقلم؛ بيروت: دار الشامية.
- رشيد رضا، محمد (۱۴۱۴ق). تفسير المنار. بيروت: دارالمعرفة.
- زيبدى حنفى، ابوبكر بن على (۱۳۲۲ق). الجوهرة النيرة. قاهره: المطبعة الخيرية.
- زحيلي، محمد مصطفى (۱۴۲۷ق). القواعد الفقهية و تطبيقاتها فى المذاهب الأربعة. دمشق: دارالفكر.
- زمخشري، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل. بيروت: دارالكتاب العربي.
- زيدان، عبدالكريم (۱۴۲۰ق). المفصل فى أحكام المرأة و البيت المسلم فى الشريعة الإسلامية. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- سبحانى، جعفر (۱۴۲۹ق). رسائل فقهية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- سبزواري، سيد عبدالاعلى (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار.
- سبزواري، محمداقبر بن محمدمؤمن (۱۳۸۱ش). كفاية الفقه. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- سرخسى، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). المبسوط. بيروت: دارالفكر.
- سلار ديلمى، حمزة بن عبدالعزيز (۱۴۰۴ق). المراسم العلوية. قم: منشورات الحرمين.

- سند، محمد (۱۴۲۹ق). *سند العروة الوثقی (کتاب النکاح)*. قم: باقیات.
- سیفی، علی اکبر (۱۳۸۷ش). *دلیل تحریر الوسیلة (الأسرة)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- همو (بی تا). *دلیل تحریر الوسیلة (النکاح)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. قم: کتابفروشی داوری.
- همو (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۸ش). *رساله توضیح المسائل نوین*. تهران: امید فردا.
- همو (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- صادقی، شهره (۱۳۹۸ش). *نقحه زوجه در مذاهب خمسة*. قم: بوستان کتاب.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق). *هدایة العباد*. قم: دارالقرآن الکریم.
- طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۱۸ق). *مبانی منهاج الصالحین*. بیروت: دارالسرور.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۸۸ش). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسه السبطین علیهم السلام.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر*. امان: دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- همو (۱۳۶۵ش). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همو (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: المكتبة المرتضویة.
- عاصمی، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۹۷ق). *حاشیة الروض المربع شرح زاد المستقنع*. بی جا: بی نا.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دارالآفاق الجدیة.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۸ق). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (کتاب النکاح)*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فاضل مقداد (سیوری حلی)، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. تهران: مرتضوی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: دارالهجرة.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۳۹۵ش). مفاتیح الشرائع. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- همو (۱۴۱۸ق). النخبة فی الحکمة العملية و الأحکام الشرعية. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- قرافی، احمد بن ادريس (۱۹۹۴م). الذخيرة. بیروت: دارالغرب الإسلامي.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. قاهره: دارالشروق.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵ش). حقوق مدنی (خانواده). تهران: یلدا.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۲ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتاب العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحديث.
- گلبایگانی، سید محمدرضا (بی تا). مجمع المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۴ق). الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی. بیروت: دارالفکر.
- همو (۱۴۱۸ق). کتاب النقصات. بیروت: دار ابن حزم.
- مجاهد، سید محمد (بی تا). المناهل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مجلسی، محمداقرب بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرتاضی، احمد، و حاجی حسینی، حسین (۱۳۹۵ش). امکان سنجی شمول فقه بر هزینةهای درمانی و بهداشتی زن (با تأکید بر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی). مطالعات راهبردی زنان، ۱۹ (۷۴)، ۲۸-۷  
doi: 10.22095/JWSS.2017.49906
- مرداوی، علی بن سلیمان (۱۴۱۵ق). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- مرغینانی، علی بن ابی بکر (بی تا). الهدایة فی شرح بداية المبتدی. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مغنیة، محمدجواد (۱۴۲۱ق). الفقه علی المذاهب الخمسة. بیروت: دارالتیاریت الجدید.
- همو (۱۴۲۸ق). فقه الإمام الصادق علیه السلام. قم: مؤسسه انصار بیان.

- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *أحكام النساء*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- همو (۱۴۲۴ق). *کتاب النکاح*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- همو (۱۳۹۰ش). *موسوعة الفقه الإسلامی المقارن*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴ش). *استفتائات*. تهران: سایه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵ش). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نوری همدانی، حسین (۱۴۳۴ق). *الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ بحوث فقهیه*. قم: مهدی موعود علیه السلام.
- نووی، یحیی بن شرف (۱۴۱۲ق). *روضة الطالبین و عمدة المفتین*. بیروت: المکتب الإسلامی.
- وحید خراسانی، حسین (بی تا). *منهاج الصالحین*. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۲ش). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- یوسف زاده، مرتضی (۱۳۹۰ش). *حقوق مدنی ۵*. تهران: شرکت سهامی انتشار.